



# واژه‌نامه ترجمه‌شناسی

دکتر مهرگان نظامی زاده

و

سپیده اکبری معین

فاطمه باقری

سپیده جلالی

شقایق جاسمی

مریم خاقانی

سارا عیسی زاده

فاطمه موسوی

## به نام خدا

انسان، به عنوان تنها موجود زنده برخوردار از قوه نطق یا ناطقه (اگر نخواستہ باشیم از تعبیر ارسطویی «حیوان ناطق» استفاده کنیم)، زبان پیچیده‌ای دارد که فارسی، عربی، ترکی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی و... نمودهای خارجی آنند. این زبان که فکر، اندیشه و تحلیل ذهن با آن صورت می‌گیرد فعالیت خود را در مبحث زبانی، وام‌دار مفاهیم است و واژگان نیز اصلی‌ترین ابزاری‌اند که در خدمت زبان به عنوان قوه تفکر و تحلیل قرار می‌گیرند. مفاهیم، هر چند به لحاظ فلسفی در ذهن آدمی به طور مشخص یا بالقوه تعبیه گردیده‌اند، ولی از طریق ارتباط با پدیده‌های جهان (بیرونی و درونی) ایجاد می‌شوند یا به فعلیت درمی‌آیند. بر این مبنا هر قومی، با توجه به تجربه زیسته خود، پاره‌ای از این مفاهیم را شناخته و سپس در زبان خود آورده است. از این روی زبان‌های مختلف، هر یک، پاره‌ای از مفاهیم را در خود دارند که ممکن است با سایر زبان‌ها مشترک یا متفاوت باشد. در این راستا ارتباط ملت‌ها با زبان‌های یکدیگر می‌تواند مفاهیم به‌دست‌آمده از

تجربه زیسته آن‌ها را به اشتراک بگذارد و در اختیار هم قرار دهد. به عبارتی، هر چه یک زبان واژگان بیش‌تری را به عنوان امکانات زبانی در اختیار داشته باشد، سخنوران آن زبان ابزار بیش‌تری برای تحلیل‌های خود و ارتباط عمیق با سایرین در اختیار خواهند داشت.

در این جاست که اهمیت واژه‌سازی نمود بیش‌تری می‌یابد و مترجمان نیز با ترجمه‌های خود، در این راستا و در کنار دیگران، نقش پررنگ‌تری در همگرایی‌های زبانی بر عهده می‌گیرند.

به قول ژان-رنه لادمیرال، ترجمه حالت ویژه‌ای از همگرایی زبانی به سوی مقصدی مشترک، و به مفهوم کلی‌تر، قالب‌های زبانی مختلفی است که با واسطه‌گری بین زبان‌ها انتقال اطلاعات را میان سخنوران زبان‌های مختلف امکان‌پذیر می‌کنند. ترجمه باعث می‌شود پیامی از یک زبان مبدا به یک زبان مقصد انتقال یابد. ترجمه همزمان به فعالیت ترجمانی، فعالیت مترجم، در مفهوم پویا، و نتیجه این فعالیت، یعنی متن مقصد در مفهوم ایستا اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup>

به تعبیر آنتوان برمن، صحبت از ترجمه طیف گسترده‌ای است که از یک سو، آثار نویسندگان مختلف، حیات، مقصد و ماهیت این آثار، چگونگی عملکردشان در روشن ساختن راه پیش روی ما را در بر می‌گیرد، و از سوی دیگر، ارتباط با

1. Jean-René Ladmiral, *Traduire: théorèmes pour la traduction*, Gallimard, 1994.

دیگری، انتقال ذهنیات خود به وی، بازنمود سنت‌ها، رابطه خودی و دیگری، زبان مادری، زبان اول و سایر زبان‌ها، و همچنین بحث از هستی و وجود در تعابیر مختلف زبانی، زبان نوشتاری و گفتاری، طرح اکاذیب و واقعیت‌ها، بی‌وفایی و پابندی، تقلید، بدل، نسخه غیرواقعی، نسخه ثانویه، سخن گفتن از حیات معنا و حیات لفظ، و سرانجام درگیر شدن با طوفان مسرت‌بخش اندیشه‌برانگیزی را شامل می‌شود که طی آن واژه «ترجمه»، خود، بی‌وقفه دستخوش استحاله می‌شود.<sup>۱</sup>

از طرفی ترجمه در تمامی دوره‌ها و نقاط کره زمین، بنا بر ضرورت ارتباط میان گروه‌های انسانی با زبان‌های متعدد و متنوع، وجود داشته است. ولی از عمر مطالعات ترجمه در قالب رشته‌ای مشخص و مستقل، تحت عنوان ترجمه‌شناسی، چندان نمی‌گذرد. واژه ترجمه‌شناسی برای نخستین بار در سال ۱۹۷۳ توسط برایان هریس<sup>۲</sup> کانادایی به کار گرفته شد. در واقع کانادا کشوری است دو زبانه با تجربه‌ای طولانی، هم از نظر کار برد ترجمه و هم از جنبه نظریه‌های مربوطه. در تأیید این ادعا کافی است به وینه<sup>۳</sup> و داربلنه<sup>۴</sup> اشاره کنیم. این دو کانادایی در سال ۱۹۵۸ کتابی در حوزه ترجمه‌شناسی ارائه دادند و در آن برای نخستین بار به مقایسه امکانات سبکی

1. Antoine Berman, *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*, Seuil, 1999, dos de la couverture.

2. Brian Harris.

3. J. P. Vinay.

4. J. Darelnet.

